

۱ تبصره

تبصره

بِسْمِ اللَّهِ : یعنی آغاز میکنم به اسم الله، بنام الله این عمل را انجام میدهم،

این عمل برای خوشنودی اوست،

این عمل را به اجازه هدایت و کمک او اجرا میکنم، در این اقدام برکت او باشد،

اینکار در راه او باشد.

الرَّحْمَنُ : آن بخشاینده که از روی رحمت خود همه اشیاء را از هیچ خلق و برای هر یک

همه آن نعمتها، صفات و توان را جداگانه، مجاناً و رایگان اعطاء فرمود.

بر او کدام دین، اجبار یا احتیاج نبود و نیست.

الرَّحِيمُ : ذاتیکه از روی رحمت خود پاداش میدهد. پاداش عمل نیک خلد برین است.

آنکه برای انسان مقابل نیکی ناچیز او پاداش بی پایان و ابدی آماده کرده.

درسه آیت اول سوره فاتحه، الله مخاطب است بضمیر غایب و در بقیه آن بضمیر شاهد.

این از لحاظ تعظیم است و بتائید اینکه حمد الله از جانب اوست و برای اوست.

آنچه به رسول کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی شد او بزبان آورد و نوشته شد.

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾ اگر این امر و اِقْرَأْ (بخوان) و قُلْ (بگو) در حین تلاوت

هر آیت بخاطر باشد روابط آیات روشن میشود.

بعبارت دیگر اِقْرَأْ و قُلْ که وحی شده بیاد باشد وقتیکه تلاوت میکنیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * ﴿١﴾

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿٢﴾

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ * ﴿٣﴾

همچنان در چهار آیات بعدی:

اقْرَأْ وَقُلْ كَمَا وَحِيَ شَدَّ بِيَادِ بَاشَدِ چُون تَلَاوَتِ مِيكْنِيْم:

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٤﴾^ط

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٥﴾^ط

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴿٥﴾^ط

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾^ط

عن ابی هريرة رضی الله عنه عن النبی ﷺ قال من صلی صلاة لم یقرا فیها بام القرآن فهي خداج

فاذا قال العبد: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ قال الله عز وجل حمدنی عبدی... (الحديث القدسه رواه مسلم)

در سوره اول در آیت اول الْحَمْدُ لِلَّهِ ذکر شده.

"الْحَمْدُ لِلَّهِ" ذکر الله است و شکر است و دعا

و اشاره است به "الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى" یعنی همه آنچه ارشاد شدنی است احتوا میکند.

پس دیگر سؤال نمی ماند که چرا در اول گفته نشد.

(۱) وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ. شناخت حق تعالی باید اول باشد تا عبادات و اعمال نیک به اساس آن باشد.

بنابر آن اول میگوئیم التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ باز میگوئیم وَالصَّلَاةُ باز میگوئیم وَالطَّيِّبَاتُ.

(۲) شکر الله که لساناً قلباً و عملاً باشد آغاز خوشبختی، ادای سپاس و کامیابی هر دو جهان است.

(۳) الْحَمْدُ لِلَّهِ دعاست و دعا "مخ عبادت" است. دعا شخصی میکند که ایمان دارد.

وآنکه به الله ایمان دارد غنی است.

اول باید الله را شناختن دوم خود را باو سپردن سوم در راه او عمل کردن است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ یعنی حمد و ثنا از الله و برای الله است. این اظهار حق است.

بعبارت دیگر بگو که از الله است همه حمد و ثنا یعنی همه اسماء الحسناء، همه صفات پاک را که او برای خود پسندیده از جانب خود اوست. دیگر کس را توان نیست که بوصف و حمد او بافزاید.

چنانچه گفته شده سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ و

"اللَّهُمَّ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ" (یا الله توئی چنانکه حمد و ثنا میگوئی بر خود!)

و بگو که برای الله است همه حمد و ثنا. تنها اوست لایق همه حمد و ستایش مطلق.

مخلوق هر يك "بزبان" خود از او ستایش میکنند.

اَللّٰهُ که نام اوست، لا اله الا الله را در بر دارد.

این کلمه بدیگر معبودی نسبت نشده و نه نسبت شده میتواند.

پس وقتی از الله یاد میشود دیگر سؤال نمی ماند که مقصد کیست.

این کلمه ترجمه ندارد. مسلمانان بهرلسانیکه تکلم کنند الله را بنام الله یاد میکنند.

رَبُّ: پروردگار، بادر، صاحب، اختیار دار. ذاتیکه پرورش دو عالم بدست اوست.

از اسماء الحسناء اول "الله" در شروع قرآن کریم ذکر است که رب عالمیان است!

همه خلقت محتاج است به پرورش او، خواه جاندار و خواه بیجان باشد.

هر ذره بنوعی حیات دارد. بعبارت دیگر همه خلقت او "زنده" است.

هر ذره بنوع خود حیات دارد: "حرکت" میکند "میشنود"، "سخن میگوید"، "میخورد"

و "پروش میابد". "انرجی" دارد، ثبت میکند، اثر میگذارد و حالتش متغیر است.

۷ تبصره

الرَّحْمَنُ:

الرَّحِيمُ:

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ: پادشاه و مالک روز دین. روزیکه هر کس جزا خود را میبندد.

در آن روز آن پادشاه مطلق فیصله میکند که بنده چقدر پابند دین خود بود.

آیا بدین خود راست بود یا بدین خود خیانت کرد، آیادین او حق بود یا باطل.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ: بلی ترا میکنیم عبادت.

دعا مخ یا مغز عبادت است. سوره فاتحه دعاست که خالق لا یزال برای بنده برگزیده خود تعلیم داد.

إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: بلی از تو استعانت میجوئیم.

استعانت در راه حق باید که از بارگاه حق باشد.

استعانت در راه حق از هر منبع مشروع ، شخص یا وسیله استعانت از الله است.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ:

هدایت کن مارا براه مستقیم که توئی بر آن [إِنَّ رَبِّيَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (هود - ۵۶)]

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ:

راه آنانکه نعمت کردی بر آنها. راه مستقیم که رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برانست (یس - ۴)

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ: غیر آن راهیکه غضائب توست بر آن یعنی آنانکه عمداً از حق منکر اند و

غیر آن راهیکه غضب الهی را باعث میشود.

وَلَا الضَّالِّينَ: و نه راه آنانکه از ناهمی گمراه شده اند و نه راهیکه در آن گمراهیست.

آمین: خدای عظیم تو قبول فرما. کلمه آمین از متن قرآن نیست. حروف مشترك با امن و امین دارد.

از نظر صوتی بگوش میآید "ای آنکه میکنی امن نازل. در تفسیر ابن کثیر ولسان العرب "آمین" را

بعضی از اسماً الحسنی خوانده اند.

وَ أُخِرُ دَعْوُهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ أُخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.